مؤلفه‌های مذهبی استقلال‌طلبی در فرهنگ ملی ایران و تأثیر آن در رابطه با آمریکا

سیدجواد امام جمعه‌زاده
دکتر سیاسی دانشگاه اصفهان (پردیس مشهد)
به‌عنوان: دانش عمومی کارشناسی ارشد علم سیاسی دانشگاه اصفهان
در: میهمانی
تاریخ دریافت: 91/12/19
تاریخ پذیرش: 92/03/25

چکیده
شناخت ارزش‌ها و ویژگی‌های موجود در فرهنگ ملی هر کشوری، از آن جهت که در تكوین هویت آن کشور و استمرار آن نقش مهمی دارد، بسیار ضروری است. از این حیث، جمهوری اسلامی ایران نیز دارای جنبه‌های خاصی از فرهنگ عمومی و ملی است که حاصل تجربه تاریخی ملت در بروخور با حوادث و پدیده‌های سیاسی آن می‌باشد؛ فرهنگی که در اغلب موارد جانشین هاپی را فرآوری کشورها، به‌ویژه کشورهای غربی و در رأس آن آمریکا قرار می‌دهد که از طریق ایران تحریم اقتصادی، خوشه‌های ناشروی و همچنین ایران دنبال می‌کند. نوشتار حاضر ضمن تمایل به شهرت نظیری مبتکر محرومیت نسبی و هویت در مقام پاسخگوی به این سؤال است که به‌طور عمومی طالب‌های اخیری و در این‌جا باید از تجربه جمهوری اسلامی ایران بر رفع و علائم اقتصادي حاصل از تحریم، همچنان در قبال ادامه فعالیت‌های تدوینی و تحلیل اقتصادی کرد. پژوهش حاضر در مورد شخصیت و تحلیلی صورت گرفته و گزارش اطلاعات به‌صورت مطالعاتی تکمیل‌کننده و استادی‌شناس برای کتاب‌ها، مقالات تخصصی و ایستی‌زوده‌است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مؤلفه‌های مذهبی استقلال‌طلبی در فرهنگ ملی ایران باعث گردیده تا نظارت جمهوری اسلامی ایران بر حقوق بشر به‌ویژه در زمینه فعالیت صلح ایزی‌سازی با، در نظر گرفتن مسائل راهبردی برای لزوم‌های آینده مبادرت ورزد و اثرات سوء تحریم را به خوداتکایی بیشتر و نظرگذاری افزون‌تر در سطح نظام بین‌المللی تبدیل کند.

واژه‌های کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، برنامه هسته‌ای، محرومیت نسبی، فرهنگ ملی، تحریم اقتصادی، آمریکا

1. javademam@yahoo.com
2. a_ebrahimia@yahoo.com
3. m_masodinia@yahoo.com
مقدمه
نگاهی به تاریخ جمهوری اسلامی ایران که بیش از سه دهه از عمر آن می‌گذرد، بیانگر آن است که سطح روابط بین ایران و آمریکا به‌واسطه‌های حاکم بر فرهنگ‌های سیاسی و ایدئولوژی اسلامی انقلاب ایران از دشمنی شدید تا انزجار دیپلماتیک در نوسان بوده است. طی این سال‌ها، ایالت‌های مختلف از حرفه‌ای گوناگون و به‌هم‌های مختلف برای حضور در منطقه و اعمال نفوذ در ایران بهره بردند. اعمال تحریم‌های اقتصادی که بخشی از رویارویی بین غرب و ایران بر سر برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی است، در این جهت مورد استفاده قرار گرفته است. به‌شکلی اعمال تحریم‌ها تأثیراتی بر اقتصاد ایران به‌ویژه در بخش‌های ارزی و سرمایه‌گذاری که داشته و با توجه به اقتصاد تک‌محصولی جمهوری اسلامی ایران در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی، نوسانات نرخ ارز و قیمت نفت و در نتیجه تورم و کاهش ارزش ریال هزینه‌های را به‌کشور تحمیل کرده است. با این وجود، رفتار سیاسی مردم ایران در طول برهنه‌های اقتصادی که در بستر یک فرهنگ سیاسی مشکل از عقاید، نمانده و ارزش‌های ملی و اسلامی به‌عمل سیاسی مبادرت می‌کند، هرگونه تلاش دولت‌های بیگانه را در جهت اعمال فشار و عقب‌نشینی از مواضع ملی و دینی خشونی نموه است.

عموماً استدلال می‌شود فرهنگ ملی یکی از عوامل مؤثر در سیاست‌گذاری خارجی محصول می‌شود. به‌طور که می‌توان گفت تأثیر بر سیاست‌گذاری خارجی از طریق تأثیر ارزش‌های فرهنگی بر رفتار نخستگان و یا کارگران حکومتی، جهت نیل به مقاومت سیاسی، امنیتی و اقتصادی، یکی از مهم‌ترین حوژه‌های تأثیر‌گذاری است (دهقانی، 1991: 16). این منظر، در نگاه سیاسی به‌صورت یک شیکه ارزشی عمل می‌کند. در آن قدرت را به ارزش‌ها پیوند می‌دهد. در نهایت، که می‌توان گفت مهیج نظام ارزشی است که جهت‌گیری‌های مردم را نسبت به‌نهادها و ساختمان‌ها تعیین می‌کند و عملکرد به‌سیاسی نز فرهنگ سیاسی جامعه را نشان می‌دهد. بنابراین، مطالعه دقت فرهنگ سیاسی، فراهم‌آید تبادل تفاضلا و و خواست‌ها را به سیاست خارجی، استراتژی‌ها، هدف‌ها و منابع ملی مشخص می‌کند (قوران، 1382: 172). از این رو، رفتار سیاسی خاص هر جامعه در بستر فرهنگ سیاسی همان جامعه شکل می‌گیرد که آن نیز محصول تاریخ نظام سیاسی و همچنین اعضای متفرد آن با ریشه‌ای روان‌شناختی است. این مسئله می‌تواند در نوع برداشت کارگران حکومتی
از هویست خود و اجرای نیات آنان تأثیرگذار باشد و در نتیجه، در سیاست‌سازی آن کشور نیز در قالب تصور هر کشور از نقش خود و یا ایفای اجرای نقش دولت و نمود خارجی پیام داده می‌کنند. بنابراین، دولتی که در نظام بین‌الملل دارای یک سیاست سازش‌ناپذیر و غیرانطباقگرایانه در یک حوزه موضوعی خاص است، هم در کشور رفتاری و هم در کشور گفتاری تحت تأثیر فرهنگ ملی آن کشور قرار می‌گیرد. این موضوع جالشرای نظری ای را برای انجام و در این راستا، بررسی علت پافشاری جمهوری اسلامی ایران در قبال برنامه هسته‌ای با توجه به موقعیت استراتژیک و زنگولتیک این کشور، ضروری به نظر می‌رسد.

مقاله حاضر تلاش می‌کند تا به این پرسش پاسخ دهد که چه عواملی طی سال‌های اخیر محور شده است تا جمهوری اسلامی ایران علی رغم فشارهای اقتصادی حاصل از تحریم، همچنان در قبال ادامه فعالیت هسته‌ای خود پافشاری کند؟ از منظر نوشتار پیشرو، عناصر بین‌الدولتی اقتصادی و استقلال‌خواهی موجود در فرهنگ ملی ایران، باعث گردیده‌ی نشان دهنده نظام جمهوری اسلامی ایران بر حقوق خود به ویژه در زمینه فعالیت صلح امپرستانه، تا نظام جمهوری اسلامی ایران در صورت لزوم و بر اساس موقعیت زنگولتیک خود، می‌تواند تأثیرات سوء تحریم را به خوداتکیابی بیشتر و تأثیرگذاری افزونی در سطح نظام بین‌الملل تبiteral کند.

چارچوب نظری

مقاله پیش روی تلاش می‌کند تا جهت تبیین دقیق و روش مورد مطالعه، به طور تلفیقی به واکاوی و بررسی ابتدای مختلف دو نظریه محرومتی نسبی و هویش بپردازد:

1. نظریه محرومتی نسبی

گر، نقطه عزیمت خود را برای تحلیل خشونت‌های مدنی، محرومتی نسبی قرار می‌دهد و در کتاب چرا انسان‌ها شورش می‌کنند، به تشریح مدل پیچیده‌ای بر پایه نظریه ناکامی و برخاخ‌گری می‌پردازد (مسکوای، 1387: 127). هرچند متغیر وابسته گر خشونت سیاسی است که می‌تواند به شکل جنبش سیاسی اجتماعی باشد یا نابش (فاسی و لارکین، 1986: 11)، اما در تحقیق خود می‌کوشند به سوأل اصلی در راستای دست‌یابی به علل درهم شکستن خشونت آمیز نظام پاسخ گویند که عبارتند از: 1- منابع روایی و اجتماعی بالقوه خشونت جمعی کدامند؟ 2- میزان تأثیر آنها را بر نظام سیاسی چه عواملی تعیین
نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که... در اینجا...
حقوق و منافع بیشتری یا تسکینسرخرورده‌گی ناشی از محرومیت به پرخاش گری و خشونت

سیاسی متوسل می‌شود. در این زمینه اعتقاد بر این است که محرومیت نسبی هنگامی
افزاری می‌باشد که افراد وضعیت خود را با وضعیت گروه مراجعه می‌کنند که آنجا
را می‌خواهند و فکر می‌کنند باشد داشته باشد دارند (گر، ۱۳۷۹: ۲۴). به بیانی دیگر، احساس محرومیت نسبی زمانی به وجود می‌آید که انسان‌ها خود را با
دیگران و با وضعیتی که به وضعیت آنها نزدیک است مقایسه کنند. از این منظر می‌توان
استندال نمود که در صورت برآورده نشدن انتظارات، ناکامی اولین عامل این است که در
فرد آشکار می‌شود، که بکی از نتایج مستقیم این وضعیت پرخاش گری است. تنها نجات
که می‌توان حمل مذکور را به این موضوع که «هر چه محرومیت نسبی شدیدتر باشد
احتمال و سختی خشونت مدنی بیشتر خواهد بود» پیوند داد (گر، ۱۳۷۹: ۱۲۴). در
همین راستا، گر عوامل تعیین کننده انسان گستره کدامکش مدنی‌را از طریق دو مؤلفه
محرومیت باندمت (تغییرات اجتماعی، تغییرات سیاسی، جدایی بالقوه، وابستگی کشش به
سرماهمی خارجی، شکاف‌های مذهبی و فقدان فرصت‌های آموزشی) و محرومیت کوتاه‌مدت
(گراش‌های گسته‌مدت در ارزش‌های تجاری، تکرار مجدد این گراش‌های، تورم، نرخ رشد تولید
ناخالص ملی، شرایط نامطلوب اقتصادی) مشخص می‌کند (گر، ۱۳۷۸: ۱۱۱۱–۱۱۱۱).

همچنین محرومیت نسبی که از درک تفاوت میان انتظارات از واقعیت بر ارزشی
افراد برآمده است، ممکن است بر اساس مقایسه وضعیت فعلي فرد با گذشته‌ش خود، و یا
با توجه به آرام‌های انتخابی یا معیارهایی که توسط یک رهبر یا یک گروه مرجع طراحی
شده است و ارائه یا گروه‌های دیگری یا شکل گیرد (گر، ۱۳۷۹: ۱۷۴). بدرین ترتبی، تد رابر
ger سه گروه عدم تاعید و محرومیت ناشی از آن را به بند صورت بیان می‌کنند:
۱- محرومیت نژولی که در آن انتظارات افراد ثابت اما نتوانایی های شان به طور مداوم
کاهش می‌یابد.
۲- محرومیت ناشی از بند پرازی، یعنی در حالی که نتوانایی های افراد ثابت است
انتظارات افراد افزایش می‌یابد.
۳- محرومیت صعودی که پس از یک دوره رشد هم زمان انتظارات ثبیت و نتوانایی‌ها
توانایی‌ها را از رشد صعودی باز استاده‌یا یا کاهش شدید می‌یابد و انتظارات در جوان
حالی صعودی دارند. هر چه محرومیت نسبی ایجاد شده بر اساس تفاوت میان انتظارات
و توانایی‌های شدیدتر باشد، آن‌گاه نارضایتی شدیدتر و احتمال و شدت خشونت‌های بیشتر خواهد بود (گرگ، 1968: ألف 25) این الگوی باینی دیویس مبتنی بر «منحنی G» همچون دارد؛ چرا که مطابق آن احتمال و قواعد انقلاب‌ها، زمانی است که پس از مدتی طولانی از توسعه عینی اقتصادی و اجتماعی، دوره‌های کوتاهی از افول سریع و شدید پدید می‌آید. تا آنجا که توسعه طولانی باعث افزایش انتظارات می‌گردد و رشد کوتاه مدت ایجاد شده این‌طورهای گذل‌تهام‌های بزرگی را در مدت هنگام ظاهر شده است. به دلیل این‌طورهای از دوره‌ای طولانی ثابت می‌ماند که کاهش بیدر، محروریت نسبی صعودی به‌وجود می‌آید.

2. هوثیت

موضوع و ماهیت هوثیت، یکی از مسائل چالش برانگیز و پردامنه است که در دهه‌های اخیر مورد توجه بسیاری از روش‌نوازان، اندیشه‌شناسان و پژوهشگران قرار جریه است. در یک تفسیر هیئت کلی، هوثی به دو نوع هوثی فردی و هوثی جمعی تقسیم می‌شود. در این راستا، هوثی یک هوثی تاریخی حافظ خودمختاری فردی و هوثی جامعه نیز تا حدودی باشته‌ای استیل مانند و خودخوستی ملی است. (ریانی و هماکان، 1390: 8). به‌نظر برایور، هوثی ملی نوعی هوثی اجتماعی است. به عبارتی، هوثی تعریف خود را به‌میزانی که آدمی خوستا را متعلق به آن گروه می‌داند ارجاع می‌دهد. (ریانی و هماکان، 1390: 23)؛ به‌طوری که یک می‌توان می‌توان در سطح تاریخی جمعه کل و در میان مرزهای تعریف‌شده سیاسی تعیین کرد. مهم‌ترین عناصر و نمادهای متشکل در اجتماع (جامعه کل) و در میان مرزهای تعریف‌شده سیاسی تعیین کرد. مهم‌ترین عناصر و نمادهای ملی که بی‌سابقه بوده و تمایز می‌شوند، عبارتند از اسرزمین، دین و آئین، آداب و مناسک، تاریخ، زبان و ادبیات، مردم و دولت (یوسفی، 1380: 17). هوثی ملی به‌معنی اهمیت فراوانی در تعریف حوزه‌ها مهم‌ترین نوع از انواع هوثی و در این حال، مشروط‌ترین سطح هوثی در تمامی نظام‌های اجتماعی محصور می‌شود (ریانی و هماکان، 1387: 36). از طرف دیگر، پیوند میان هوثی و فرهنگ جنگ عمیق است که اغلب آن را پایه‌های فرهنگی می‌سازد و برای فرهنگ، شأن مستقلی

1. Davis
در هوتیت قابلیت می‌شود؛ چه اینکه در دیدگاه انسان‌شناسان، هوتیت فرهنگی از مؤلفه‌های چون ملّت، قلمرو جغرافیایی سیاسی، زبان و دین تشکیل شده است (آشنای و روحانی، 1389: 162-161). در این راستا، مقاله حاضر در صدد است تا با ارائه برخی از نظریات جدید هوتیت، نشان بدهد که در استقلال‌طلبی در فرهنگ ملی ایران و تأثیر آن را در رابطه با آمریکا و اکوی نماید.

مانولت کاستلون: هوتیت سرجشنه معنا و تجربه برای مردم است. اصطلاح هوتیت در صورتی که سخن از کنش گران اجتماعی باشد، عبارت است از فرآیند معنایی بر اساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی که بر منابع منفی دیگر اولویت داده می‌شوند. هوتیت می‌توان در برخی خود کنش‌گران است و به‌دست خود آنها از رهگذران فرآیند بخشیدن، ساخته می‌شود. با این حال، ممکن است هوتیت‌ها از نهاده‌ای مسلط نیز ناشی شوند، اما حتی در این صورت نیز فقط هنگامی هوتیت خواهند بود که کنش‌گران اجتماعی آنها را درونی کنند و معنای آن را حول این درونی سازی بیافزایند (کاستلون، 1380: 22-23).

کاستلون معتقد است که ساختن اجتماعی هوتیت همواره در بستر روابط قدرت صورت می‌پذیرد و بین سه صورت و مشاب هوتیت تمايز قابل می‌شود:

1- هوتیت مشروط: بخش این نوع هوتیت توسط نهاده‌ای غالب جامعه ایجاد می‌شود تا سلطه آنها را بر کنش‌گران اجتماعی گسترش دهد و عقلانی کنند. این موضوع هم أهمیت نظامی کسب نموده و به ساختن سربندنی و همبستگی کنش‌گران تبدیل می‌شود.

2- هوتیت مقاومت: منجر به ایجاد جمعیت‌ها یا به تعبیر آمیختی انتزاعی اجتماعات می‌شود. این هوتیت به‌دست کنش‌گران ایجاد می‌شود که در اوضاع و احواز و شرایط قرار دارند که از طرف منطق سلطه به‌ارزش دانسته‌های می‌شود و یا داغ نگرفت بر آنها زده می‌شود.

3- هوتیت برنامه‌دار: که به ایجاد سرزشه (فاعل) می‌انجامد. هنگامی که کنش‌گران اجتماعی با استفاده از هرگونه مواد و مصالح فرهنگی قابل دسترس، هوتیت جدیدی می‌سازند که موقعیت آنان را در جامعه از نو تعریف می‌کنند و به این ترتیب در پی تغییر شکل ساخت اجتماعی هستند، این نوع هوتیت تحقق می‌یابد.

از نظر کاستلون، هر یک از فرآیندهای هوتیت‌سازی به ایجاد نتایج متفاوتی در ایجاد
جامعه می‌انجامد؛ هویت مشروطیت بخش، جامعه‌مدني ایجاد می‌کند؛ نوع دوم هویت‌سازی

یعنی هویت مقاومت، منجر به ایجاد جماعت‌ها یا به تعیین انزوینی، اجتماعات می‌شود.

وی در کل معتقد است که انواع مختلف هویت‌ها، و اینکه چگونه و به‌دست‌چه کسی

ساخته می‌شوند و چه یا‌مدهایی دارند، نمی‌توانند به‌صورت کلی و انتزاعی مورد بحث قرار

گیرد، بلکه امری است مربوط به متن و زمینه اجتماعی (کاستلر، 1980: 27–28).

بґنگرگیدنژ هویت عبارت است از خود، آن گونه که شخص از خودش تعیین می‌کند.

ایامن از طریق کنش متقابل با دیگران است که هویت را ایجاد می‌کند و در جریان زندگی

پیونده آن را تغییر می‌دهد؛ هویت امر پایداری نیست، بلکه یک پدیده پویا و مبنا و

همواره در حال ایجاد شدن و عوض شدن است (گیدنژ، 1385: 81).

وی بر این اعتقاد است که گاهی افرادی نشان دادن هویت خاصی به دن و اعمال خود را

طوری تنظیم می‌کنند و کنش‌هایی انجام می‌دهیم که تفسیر آنها در نظر دیگران، آن طوری

که ما خواهیم پاشند. در دنیای مدرن، این رفتارها و کنش‌ها تحت تأثیر محیطی است

که در آن قرار می‌گیریم و باید این آمادگی را داشته باشیم که رفتار و کنش‌های خود را با

محیط سازگار کنیم (گیدنژ، 1385: 145–146).

ریچارد جنکینز: جنکینز استدلال می‌کند که بسیاری از مطالعات جامعه‌شناسی و

روزمره میان هویت (هویت‌های) اجتماعی و هویت فردی تمایز قائل می‌شوند؛ در حالی

که امری که یکگانه فردی و امر مشترک جمعی را می‌توان چنان درک کرد که مشابهه‌همدیگر

باشند (اگر دقیقاً هم یکسان باشند)، شاخص بارزترین فرق میان هویت فردی و هویت

جمعی در این باشد که هویت فردی بر ناپاوت و هویت جمعی بر شفا هستیم تأکید دارد: با

این حال حتی این هم چیزی بیش از این نیست که هر یک از آنها بر یک موضوع تأکید

می‌کند (جنکینز، 1381: 24–25). جنکینز معتقد است هویت اجتماعی دستاوردهای عملي,

یعنی یک فرد‌ای است که می‌توان آن را به‌کار گرفتن کنش متقابل‌دنی و بروین فهم

کرد. از نظر جنکینز نهادها به عنوان الگوهای جافتشده عمل و همچنین سازمان‌ها به عنوان

نمود رده‌بندی‌های اجتماعی، ازجمله حیطه‌های مهمی به‌وجود که در چارچوب آنها تعیین

هویت اهمیت پیدا می‌کند. هویت‌های اجتماعی توسط اشخاص کسب و مطالبه می‌شوند و

در چارچوب مناسب‌های قدرت، به آنها تخصیص داده می‌شوند (جنکینز، 1381: 44–45).

با توجه به مباحث نظری مطرح شده، به‌نظر می‌رسد بین دو فهمه هویت و محرومیت


نسبی رابطه‌ای برقراری باشند؛ به طوری که هر دو مبتنی بر تصورات و اشکال‌گیری در هنر و مقوله‌ای مبنایی اجتماعی در هر دو نشان دهنده تأثیر گذار و مهمی دارد که ناظر ابر اعضا فای و خاصیت ارزش گذارانه موضوع است. همچنین در دوی این مفاهیم شرط لازم برای ظهور جنبش‌های اجتماعی هستند؛ به طوری که این از دلایل ظهور جنبش‌های اجتماعی باید درک شود. اما باید به هدف گرایی جنبش‌های اجتماعی برسی مسائل مربوط به شکل گیری جنبش‌های اجتماعی نسبی به حساب آورد. بنابراین بدون هیچ گونه، جنبش‌های اجتماعی و تحرکات جمعی به سختی قابل شکل‌گیری و با موثریت همراه خواهند بود. نظر به محروریت نسبی نیز در رابطه با هیچ‌گونه اجتماعی، باید این این است که احساس تبعیض و توزیع مردم یک کشور و به‌تدریج آن، ارزش‌هایی منفی از عملکرد کشور در رابطه با خود، باعث شکل‌گیری جنبش‌هایی جهت احراز حقوق و مقاومت تلقی شود؛ موضوعی که در مباحث کاستری آن به عنوان هیچ‌گونه مقاومت تعبیر می‌شود. بنظر می‌رسد، مهم‌ترین شکل هیئت‌سازی در جمهوری اسلامی ایران نسبی همین موضوع باشد؛ این هیئت‌های از مقاومت جمعی را در برابر ظلم و بی‌عدلی ایجاد می‌کند که در غیر این صورت تحلیل ناپذیر بودند؛ به‌طوری که می‌توان در بسیاری از کشورها از مقاومت و پایداری به فرهنگ راهبردی تعیید کرد که در مقابل تهیجی خارجی به‌مانند الگوی رفتاری صحیح و مورد پذیرش شناخته می‌شود.

(ترابی و رضاپی، 1390: 139).

پس از تبیین نظریه محروریت نسبی و هیئت به عنوان ارگان نظری تحقق، لازم است تا این‌ها مؤلفه‌های فرهنگ ملی ایران را ذکر کرده و سپس تأثیر آن را در روابط با آمریکا تحلیل نماییم.

مؤلفه‌های اساسی فرهنگ ملی ایران

بررسی مهم‌ترین منابع معنایی و واکنش‌های هنرجوی قوام‌دهنده به هیئت جمهوری اسلامی ایران که نشان‌داده‌اند از مؤلفه‌های موجود در فرهنگ سیاسی است، از مهم‌ترین عوامل...
استقلال‌خواهی از دیرپای و بنا به دلایل تاریخی - جغرافیایی و البته در مکاتبه مختلف تاریخ ایران، این کشور همواره مداخلات استعماری و تجاویز تاریخی را تجربه کرده است. نفوذ و سلطه بیگانگان و ضعف حکومت‌ها در ایران، باعث بهره‌برداری به نفع مقاومت سلطه‌جویانه این کشورها شد. در این زمینه می‌توان به قرادرادهای چهاروهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۹ و همچنان معادلاتی نظیر گلستان و ترکمنچای که در طول قرن نوزدهم و بیستم به‌واسطه حضور قدرت‌های استعماری به‌ویژه فرانسه، انگلیس و روسیه در ایران اشاره کرد. نوع نگاه ایران به آمریکا را نیز باه ناشی از حافظه تاریخی ایرانیان نسبت به آمریکا به‌کوتاهی ۲۸ میلاد ۱۳۹۳ عليه‌مصداق و به‌ویژه حمایت آمریکا از سلاح‌پس از انقلاب اسلامی دانست. بدلی ترکیب، سیاست‌های ان حافظه‌تاریخی‌شدنی که بیگانگان در امر ما به دخالت می‌پردازند و این عوامل را باید در شکل‌گیری تئوری توئته، در ضیم مردم بسیار مؤثر دانست (صادقی، ۱۳۸۸:۱۵۷) چنان‌که نگرش‌های واقع‌شده را در ایران به‌وجود آورده که از مهم‌ترین آن می‌توان به پرورش نوعی به‌دبینی و به‌اعتمادی سیاسی نسبت به بیگانگان اشاره کرد (مصیبی نژاد، ۱۳۸۷:۸۲). این امر نیز به‌عنوان خود، در بازتوسع خلقت بیگانگه سنتی بسیار مؤثر بوده است. بنابراین با وقوع انقلاب اسلامی و آشکار شدن هرچه بیشتر نقض آمریکا و تلاش‌های آن کشور در فراهم آوردن زمینه‌های شکست انقلاب، تصویر توانه امنیت آمریکا و غرب همواره به عنوان یک عامل روان‌شناختی - تاریخی موجب یک موضوعی تند و شدید می‌گردد. به این کشورها شکست و گاهی هم به عنوان جهت‌های که بیشتر برای استقلال‌خواهی مورد استفاده قرار گرفته است. از این‌رو، حساسیت ایرانیان نسبت به استقلال‌خواهان برخاسته از یک احساس نهاده شده تاریخی و جدی از فرهنگ سیاسی آن‌هاست (نیک‌زاده، ۱۳۸۱:۲۴۷); تا انجا که انقلاب اسلامی را می‌توان راه‌برده جهت استقلال‌خواهی ایرانیان نامید. چرا که از یک طرف، وقوع انقلاب اسلامی علایه بر اینکه واکنشی در اعتراض و مخالفت علیه سیاست‌های داخلی شاه قلمداد می‌شود، می‌بینم عدم تأیید
سیاست خارجی وی نیز بود؛ بهویژه اتحادیه که با ایالت‌های متحده تشکیل داد و از همین رویه 
به اول لقب شاه آمریکایی داده بودند (رضا‌نیا، ۱۳۸۶: ۴۲). در راستای همین استقلال‌طلبی 
و عدم وابستگی به بیگانه است که امام خمینی (ره) در موضعی صریح می‌فرماید:
جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد مستقل باشد!... زیرا که وابستگی به هر شکل سیاسی 
و اقتصادی اش جلوه‌ای از عدم استقلال است (موسیوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۲۲۰).
از این منظر، نه فرهنگهای سلطه‌ای، مسالمت عدم وابستگی به قدرت‌های سلطه‌جو است.
بر اساس این حس خوادمانی، رهبران دو قطب ایران و مردم این کشور دست‌پایی به چرخه 
سوخت هسته‌ای را به عنوان بخشی از اعتماد به نفس خود تلقی می‌کند که ناپاید بر سر 
آن سازش کرد (مصیرزاده، ۲۰۰۷: ۲۴۰). در واقع، از نظر فرهنگی، تاریخی مداخلات 
قدرت‌های استعمارگر خارجی و حاکمیت حکومت‌های وابسته در ایران، یکی از سددهای 
نوزدهم و بیستم، استقلال‌طلبی و استعماردازی را به هدف مشترک مردم ایران تبدیل کرده 
است؛ به‌طوری که یکی از اهداف بنیان‌گذاری اقتصاد اسلامی، استعمارزدایی، استقلال‌خواهی 
و نه فرهنگهای استعماری بوده است. می‌توان گفت هدف اصلی این آممان تأمین نیازهای 
داخلی از طریق فرصت‌سازی منابع موجود و به حداکثر رساندن وابستگی و در نهایت رسیدن 
به سطح بالایی از خودکفايی اقتصادی است. از این رو، ایرانیان به‌طور گردی با آمریکا و 
آمریکایی‌ها حضور ایران مخالفت و خصوصاً این‌طوری بودن نظام بعد از انقلاب اسلامی به این 
موضوع دامن زده است. به‌طور سانسی، ذهبنشانی وجود یک توطئه، سیاست تحريم اقتصادی را 
به جانش می‌کشد و ادامه فعالیت برنامه‌های استعمار خودکفايی را مشروط جلوه می‌دهد و با توجه به تمرور 
ایرانیان از آمریکا به عنوان مانعی در رسیدن به خودکفايی، استقلال و سربرندی ایران در سطح 
جهان، سیاست‌های تحريم اقتصادی از این منظر قابل ارزیابی است.

۲. سیاست اسلامی - شیعی

نظام ارزشی، رکن اصلی یک نظام فرهنگی است. اگر عوامل پایدار فرهنگ قسمت ناموری 
و گاهی ناخودآگاه یک مجموعه فرهنگی را تشکیل دهد، نظام ارزشی همیشه رابطه تنگاتنگی 
با دین و دستورات مذهبی دارد. بر این اساس، با توجه به اینکه انقلاب ایران، اولین انقلاب 
مدور با محیطی کامل مذهبی است (هاینن، ۱۳۸۶: ۲۱۶)، می‌توان معمولاً علت آگاه 
و تندرو منازعه میان ایران و آمریکا را زامانات ایدئولوژی اسلامی (تشریع) به عنوان عنصر 
کانونی همویی نظام جمهوری اسلامی دانست. می‌توان گفت تشریع به عنوان یک مکتب
افتتاحیه‌الزامی‌یان دارد که از یک سو، با روح شیعه عجین شده و در یک تمامیت همه رفتار ایرانی را به‌جز مدل (فولر، ۱۳۷۷: ۱۷) و از سوی دیگر، یک نظام اخلاقی و ارتشی خاصی را برای قضاوت و داوری در مورد سیاست‌ها، اقدامات و رفتارهای این کشور و سایر کشورهای ایجاد و تعیین می‌کند (میرباقری، ۲۰۰۴: ۵۵۸).

گفتگوی سیاسی هر جامعه، ریشه در فرهنگ سیاسی آن دارد و فرهنگ سیاسی نیز خود می‌تواند تاریخ یک نظام سیاسی و تاریخ زندگی افرادی است که آن نظام را می‌سازند. از این حیث، گفتگوی سیاسی در بعد از انقلاب تا حدی زیادی تحت تأثیر نشان‌گان مستقر در فرهنگ ملی ایران استقرار یافته و در بدیع این گفتگوی سیاسی عناصری از فرهنگ ملی و مذهبی دخیل بوده‌اند (نیپزده، ۱۳۸۰: ۱۱). بر این اساس، در ایران پس از انقلاب، فرهنگ و سیاست اسلام‌شیعی، فرهنگ معنی جمهوری اسلامی شد و به عنوان اساسی یکی از شناخت فرهنگ ملی مورد دانش ایران به رفتار اجتماعی سیاسی ایرانیان نیز جهت داده و همه وجه زندگی آنان را پر کرده است.

ساختار عمومی فرهنگ سیاسی شیعه در طول تاریخ خود با خلق مضامین و مفاهیم‌های مانند جهاد و شهادت، آزادگی، ظلم‌نابینایی و سازش‌ناپایی یافت و انتظار و با ارائه آگهی‌هایی به‌دلیل همانند ظرفی تکمیل زندگی و همسو را مفروض خود ساخته است و به‌واسطه‌ای بازپرسی و بازتعاریف مفاهیم و چهره‌هایی پرداخته که در فرهنگ ایران باستان نیز می‌توان نشانی از آنها پیدا کرد. بر این اساس، افتخار و فضیلت جامعه ایرانی، استادیگی است و در شرایط بحرانی به‌عنوان یک نیاز تحولگر می‌شود. می‌توان اصل حفظ ملی باید استادیگی ایران را از جمله مؤلفه‌های دانسته که استادیگی و مقاومت را هک از جوهرات نظام اسلامی را از جمله مؤلفه‌های دانسته که استادیگی و مقاومت را که از وجوه‌های قدرت نرم است، مشروع و ممکن می‌کند. ملی باید استادیگی دولت جمهوری اسلامی ایران است که با مقاومت و استادیگی در قبال تحریم‌ها و احقاق حقوق‌های بشری در قبال برنامه‌های ایرانی، به عنوان یک ایستادگی مقاومت، قدرت و استادیگی در میان کشورهای اسلامی و غیرعمده مطرح شود. تأکید بر حق مسلمان ایران در برخورداری از تعادل و تکنولوژی‌هسته‌ای و همچنین غنی‌سازی اورانیوم بعد از انقلاب اسلامی بخش مهمی از استادیگی است که تا تشکیل داده است (میرباقری، ۲۰۰۷: ۵۵۸).

با این رویکرد، ادامه سیاست سازش‌ناپایی جمهوری اسلامی ایران در قبال برنامه‌هسته‌ای جهت دستیابی به توافق هسته‌ای و چرخه کامل سوخت، به‌نحوی در جهت
مصالح اسلامی قرار دارد. چرا که از یک سو باعث قدرتمندتر شدن ایران در سطح منطقه و جهان می‌شود و از سوی دیگر، تلاقی نظام جمهوری اسلامی ایران را در جهت وحدت اسلامی و برقراری نظم جهان اسلام آسان‌تر و مهیا‌تر می‌سازد. افزایش اهمیت اسلامی ایران به‌گونه‌ای است که تحت تأثیر فرهنگ اسلامی شیعی و همچنین تجربه تاریخی که باعث شکل‌گیری عنصر استکبار‌سازی شده است، غرب و آمریکا را به عنوان مهم‌ترین دشمنان تعیین نموده است. به عبارتی، در شکل گیری ماهیت اسلامی و استقلال خواهی، پیشرفت و تجدید تاریخی ایران، به‌وسیله رابطه با غرب در سده‌های نوزدهم و بیستم، ارزش‌ها و باورهای مذهبی قبل از اسلام، نقش تعیین‌کننده داشته و مجموعه‌ای از منافع و ارزش‌ها موضوعات مختلفی ازجمله موضوع هسته‌ای را جنبه‌ای ابزاری می‌دهد. این تغییرات کننده‌ای ناشی از شناخت این نظام از خود بوده، منجر به تعیین مرزهای میان این دولت و دنیای بیرون می‌شود و یک ابراز شناختی برای دولت ایران در ارتباط با شناخت دنیای خارج ارائه می‌دهد.

آمریکا و برنامه هسته‌ای ایران
قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، مسئله کسب فناوری هسته‌ای توسط ایران مورد حمایت مؤثرهای مذهبی استقلال‌طلبان در ...
ذکر نام ایران در لیست کشورهای حامی تورپیسم، بر خطر برنامه هسته‌ای ایران تأکید کرده و آن را خطر بزرگی برای امنیت و صلح جهانی دانسته، به‌ویژه اینکه مبارزه با ایران به‌عنوان یکی از محورهای شرارت از اهداف مهم آمریکا محسوب می‌شود (آبروکلیف، 1384: ۱۴۹)。

در این راستا، آمریکا به‌واسطه تبلیغات تلاش کرده است تا اقابت نماید که بازرسی‌های آن‌لاین از تأسیسات هسته‌ای کافی نیست و با محدودیت‌های مالی برای آژانس، سعی دارد تا این نهاد به‌ممکنی که قطع هیکل‌ریزی با ایران وادر کند و پرونده‌هسته‌ای ایران را به شورای امنیت ارتجاع دهد. دولت ایران نیز برای خشونت کردن این تبلیغات و اتفاکی بر اساس بودن ادعای دولت آمریکا در سال ۱۳۷۲ و ۱۳۷۴، به‌طور داوطلبانه از آژانس تقاضا کرد که تأسیسات هسته‌ای ایران را مورد بازرسی قرار دهد. بازرسان آژانس نیز در تمام‌بازرسی‌ها صلح‌آمیز بودن فعالیت‌هسته‌ای ایران را تایید کرده‌اند. با این وجود، ایران با رفتارهای غیرحقیقی تبعیض آمیز از سوی آژانس روبرو شد. گواه این مدعای آقایان به‌وجود در ایران برای اثبات حسن نیت خود در قبال برنامه‌هسته‌ای بود که در مذاکرات با سه کشور اروپایی به‌عنوان اینگلستان، فرانسه و آلمان شرکت کرد و بر اساس آن از یک سو، ایران ضمن امضای برنامه‌های تحقیقی به‌طور داوطلبانه غنی‌سازی اورانیوم را به حالت تعلیق درآورد و ازسوم دی‌ماه از این مدت به تضمین‌هایی در این خصوص به ایران شده بود (رشید و کینجروف، ۲۰۰۹: ۳۲). اما به‌واسطه عدم پایبندی کشورهای طرف مذاکره به وعده‌های داده شده تحت فشار آمریکا، ایران با دیگر غنی‌سازی را از سر گرفت، این موضوع سبب اتخاذ تصمیمات غیرحقیقی از سوی آژانس، طی قطعه‌های ۲ سپتامبر ۲۰۰۵ شده بود که بر اساس آن، از ایران خواسته شده بود فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم را به‌صورت دائمی و پایدار به حالت تعلیق درآورد؛ علاوه بر این اقدام غیرحقیقی، می‌توان به درخواست تجدید نظر در مساحت راکتور تحقیقاتی با آب سنتیگی، الزام ایران به امضای این معاوضه‌ای صادره بود، اشاره کرد (عسگری، ۱۳۸۵: ۵۷-۶۴). دولت جمهوری اسلامی ایران در واکنش به این جهت ناگفته‌گری لحظه‌های حقوق ملت ایران، با تصویب قانون «دستیابی به فناوری صلح آمیز هسته‌ای» مصوب مجلس شورای اسلامی و با ارسال نامه‌ای به مدیر کل آژانس بین‌المللی ارتری اتمی، تصمیم خود مبنی بر ارزش‌گذاری فعالیت‌های هسته‌ای و برداشت‌های علمی را اعلام کرد. با این کاربردی پرونده‌هسته‌ای ایران از آژانس بین‌المللی ارتری اتمی به‌صورت امنیتی به یکی از نهادهای سیاسی و
اجرایی تلقی می‌شود، ارجاع داده شد (رسوایی ثانی آبادی، ۱۳۹۰: ۶۰-۵۵). این موضوع منبع می‌باشد، که مناقشه‌برداری بر سر پرونده انی ایران با آمریکا و متحداتش بیش از آنکه جنبه حقوقدانی داشته باشد، بازی می‌شود. این در حالی است که آرامش بین المللی انرژی اتمی بر طبق موارد ۲ و ۳ اساسنامه خود و ماده ۳ از پیمان منع تکثیر هسته‌ای، نمی‌تواند فنی بین المللی ذی ربط، مجاز و موظف به حل و فصل چنین موضوعی باشد که در برسی پروندهای حقوقی باید به مفاد و معادلات بین المللی و اصول حقوق بین الملل پایبند باشد و حق دولت‌ها را بر اساس بند ۱ ماده ۴، در بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای به رسمیت بنشانند (غبری‌آبادی، ۱۳۸۷: ۱۳)، اما بهدلیل ضعف ساختاری و تأثیرپذیری از قدرت‌های جهانی خصوصاً ایالات متحده آمریکا، به ایرانی سیاسی در جهت تأمین منافع ملی برخی کشورها تبادل شده است.

از سویی دیگر، ایران با چالش‌های امنیتی نیز مواجه است. تجربه تاریخی میان این موضوع است که در طول جنگ ایران و عراق، ایران تحت فشار آمریکا با تحریم‌های مؤثر تسکیب‌هایی از سوی مجمع بین المللی مواجه شده بود و در مقابل، عراق با سلاح‌های فراوان، در استفاده مکرر از سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای ایرانی مجاز شناخته می‌شد (هادیان، ۲۰۰۴: ۵). از لحاظ زندگی‌کردن، ایران در هم‌سایگی کشورهای هسته‌ای همچون روسیه، پاکستان، هند و بوئین اسرائیل قرار دارد و آمریکا نیز با استقرار پایگاه‌های نظامی می‌تواند تهدیدی برای ایران محصول گردد (مرکز مطالعات الجزیره، ۲۰۱۲: ۳). این خطرات وضعیت و چالش‌های امنیتی، دست‌پایه به حداکثر استقلال ملی در تمام جهات به‌وجود آمده‌انزی صلح آزم‌هسته‌ای برای ایجاد بازداین‌گذگی در برای تهدیدات امنیتی را توجه‌پذیری می‌نماید و تلاش ایران برای دست‌یابی به انزی صلح آزم‌هسته‌ای و متعاونیت تبادل شدن به یک قدرت هسته‌ای در منطقه در راستای این دعوت‌های قابل توجیه است.

اگرای همراه تأکید دارد که هدف از برنامه‌گذاری اورانیوم، تولید سوخت برابر نیروگاه‌های هسته‌ای، به‌جای موارد شکاف پذیر برای سلاح‌های هسته‌ای است. دولت ایران توسیع انرژی هسته‌ای را برای مقصد صلح آزم، حق مسلم خود دارد (البایاس، ۲۰۱۰: ۳)، اما از نظر کارشناسان آمریکایی «صداقت کمی در این بحث وجود دارد. دیپلوماسی‌های گاز طبیعی برای تولید الکتریسیتی مناسب هستند و روش‌موثری برای تولید برق محصول می‌شوند» (بوتوز و وزه، ۱۳۸۷: ۲۰؛ به علاوه، از آنجایی که ایران دومن کشور برگ
بلحاظ ذخایر گاز طبیعی بوده و در یکی از این تولیدن را، می‌توان استدلال کرد که ایران اولین کشوری دیگر نیز توانست که به انرژی هسته‌ای بعنوان یک منبع انرژی روزی می‌آورد. در عین حال، سوخت‌های فلزی ایران عواید صادراتی مهمی هستند که باعث برای صادرات حفظ شرایط و مثبت اینکه، مصرف داخلی نفت و گاز ایران از رشد سالانه 8 درصد برخوردار است و به‌همین دلیل از مشکلات جدی آلودگی در شهرهای بزرگ رنج می‌برد (هادیان، 2004: 5). از طرف دیگر، ایران به سایر کشورها (آمریکا، انگلستان، روسیه و چین) اشاره می‌کند که دارای منابع سوخت فلزی غنی هستند، اما الکتریسیته مورد نیاز خود را از طریق نیروگاه‌های هسته‌ای به‌دست می‌آورد (آموزگار، 2006: 96).

کسب‌وکار آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای ایران – در راستای صلح خاورمیانه – تا آن‌جا که استراتژی را در این زمینه کنار می‌گذارد، بیان گر نوعی اپارتاید هسته‌ای است که نه تنها مؤثر بلکه اخلاقی هم نیست. از جهانی بین‌المللی، بررسی‌های اخیر انجام شده است که به‌همین دلیل از دیگر سایر کشورها می‌پرسند. در سال 2009 مبنی این قضیه است که مهمترین دغدغه ایرانی‌ها در سال‌های گذشته، گردش‌های اقتصادی، مبادرت با تبعیض و حمایت از مستضعفان و به‌همین دلیل است که به‌عنوان ریشه در رفته‌ی سیاسی آنها دارد (کول، 2009). بر این اساس، می‌توان استدلال کرد ایران سردار اشرار به این مفهوم است که در ارتباط با عناصر اصلی امنیت بین‌المللی از «معمار دوگانه» تبعیض آنستفاده می‌شود.

همه این عوامل نشان می‌دهد که نگاه تبعیض آمیز نسبت به ایران در زمینه هسته‌ای و انتها به آن کشور برای دست‌یابی به سلاح هسته‌ای، جملگی منجر به محرومیت نسبی اقتصادی - سیاسی اقتضا مختلف مورد ایران و دولت برای آن گردیده است. از این رو، بر طبق نظر رایگان گر، ناراضایتی ایجاد شده در بین مردم و دولت ایران ابتدا در ذهن شکل می‌گیرد و پس از مدیت تداوم این سیاست‌ها و تشکیل نیروگاه‌هایی به شکل عینی بروز خواهد کرد. می‌توان نمود عینی آن را در نظرسنجی ای که اخیراً توسط مؤسسه وزارت، در آمریکا صورت گرفت، مشاهده کرد. طبق نظرسنجی مذکور، 96 درصد مردم
ایران معتقدند که ادامه برنامه هسته‌ای به تحمیل تحریم‌ها می‌آید و بر این اساس، مردم ایران همواره و با وجود تحریم‌ها، از برنامه اتمی ایران حمایت کرده‌اند (پاپگاه خبری بولن نیوز، ۱۳۹۲). نتیجه نظرسنجی دیگری، توسط مؤسسه گالوکه که یکی از معتبرترین مؤسسه‌های افکارسنجی آمریکایی محسوب می‌شود، حکایت از حمایت اکثریت ایرانیان از ادامه فعالیت‌های هسته‌ای صلح آمیز دارد (پاپگاه خبری تحلیل صرایت، ۱۳۹۲). از این منظر، محتوای اشاره به شرایط نابرابری دارد که یک افراد یک کشور را در مقایسه با دیگر کشورها قرار می‌دهد. شرایطی که در آن برخی کشورها به‌واسطه برخی از امکانات و امکانات بزرگ‌ترین اسکوئری نسبت به دیگر کشورها دارند و کشور نابaratودار در نسبت بسیاری میان وضعیت خود و وضعیت کشور برخوردار به احساس دست می‌باید که محتوایی نامی‌دهد. تکنیکی اساسی در تحلیل محتوایی به‌عنوان یک عنصر تأثیرگذار بر رفتار جمعیت این است که آیا محتوایی با عدم برخورداری از ارزیابی امتداد، امروز و امروز طبعی است یا غیرطبعی. از این منظر محتوایی آنجا که غیرطبعی و ناحی جلوه می‌کند، به عامل تأثیرگذار در رفتار جمعیت تبدیل می‌شود. همین دلیل است که نقش (عامل ذهنی) به‌عنوان همچنین به اعمال تحریم ادامه دادند و روز به روز نیز بیشتر افزودند (الیاس، ۲۰۱۰: ۲۳).

تجزیه اقتصادی

پیروی انتقال اسلامی ایران در فوریه ۱۹۷۹ بدلیل ماهیت ضد هزمونیک آن، موجب قطع روابط ایران و آمریکا را فراهم کرد. به دنبال این واقعه، آمریکا ترجیح داد به منظور دست‌یابی به هدف‌های سیاسی در تعامل با ایران، تحریم‌های اقتصادی را برقرار کند. اعمال تحریم از نوامبر ۱۹۷۹، پس از تصرف سفارت آمریکا در تهران گزار شد (جنتلمن، ۲۰۰۷: ۸) و به رغم حل بحران گروه‌گرایی در زمان کارتر، دولت مردان آمریکا با استناد به برخی استندال‌ها همچون نگرانی در مورد برنامه‌های دفاعی ایران و حمایت از سازمان‌های ترویجی، همچنان به اعمال تحریم ادامه دادند و روز به روز نیز بیشتر افزودند (الیاس، ۲۰۱۰: ۲۳).

منبع هیچ وارداتی از ایران به آمریکا و منع صادرات و اعمال مجازات برای شرکت‌های آمریکایی که قصد سرمایه‌گذاری در ایران داشتند در قالب قانون داماتو (کامالونگا، ۲۰۰۲: ۵) با پایان دادن به کمک‌های اقتصادی به ایران، جلوگیری از سرمایه‌گذاری شرکت‌های
خارجی در صنعت نفت ایران و اعمال تحریم ثانویه در مورد ایران و تحریم نفتی ایران که تحریم اقتصادی ایران را وارد مرحله جدیدی کرده، نمونه‌هایی از این تحریم‌ها بودند. به طوری که، موجب جدید تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران را باید ناشی از برنامه صلح آمیز مستقیما ایران دانست که به موجب آن شاهد قطعیت‌های 1967-1970 می‌باشد. با افزایش قطعیت‌های متفاوت بر ایران اعمال شد (کروس و مالوری، 2010: 95).

تحریم‌ها نقش مهمی در روبگرد ایالات متحده آمریکا برای مقابله با ایران ایفا کرده است. "تحریم" در محدودیتی به‌ویژه در فعالیت‌های اقتصادی است که به یک کشور خارجی به‌دلیل سیاست‌های ملی (گانس، 2007: 11) تحمیل می‌شود. تحریم اقتصادی محدودیت‌های هماهنگ‌شده بحران، خدمات و معاملات و روابط مالی یک کشور با هدف دست‌یابی به اهداف سیاسی و لازمه‌های به کشورهای در حال اقتصادی را این گونه یافته در قانون یک کشور است (هوس آف لوردوئدن، 2007: 7-8; دیویدسون، 2003: 4) و شوایند نشان می‌دهد که هدف آمریکا نیز از تحریم ایران حول این محورها می‌چرخد. به‌طور کلی، می‌توان هدف آمریکا از اعمال تحریم‌های اقتصادی را این گونه بداند که: 1- تلاش که تغییر نظام یک کشور؟ 2- تغییر سیاست‌ها یا تماشای تأثیر گذاری در سیاست‌های یک کشور می‌باشد. 3- تنبه و مجازات کشور هدف جهت نشان دادن مراقب مخالفت نمادین سیاست‌های کشور هدف (علی‌خانی، 2013: 139).

مطالعات نشان می‌دهد که این تحریم‌ها اگرچه نتوانستند آمریکا را در نیل به اهداف خود، یعنی تغییر رژیم و حنی تغییر رفتار ایران موفق کنند (البیسی، 2010: 34)، هژمونی از نظر اقتصادی به‌ویژه در بخش‌های ارزی، سرمایه‌گذاری جدید، کمک فنی و نقل و انتقال فناوری، تجهیزات و خدمات مربوط به این حوزه به‌ویژه حوزه‌های مربوط به پالایش، کشاورزی و فناوری گاز طبیعی ماஇش باید بر ایران تحمیل کرد. تصویب قطعنامه‌ها و گسترش شدن دانه تحریم‌های اقتصادی به‌واسته آن، با توجه به اینکه ساختار دولت ایران وابسته به درآمدی نفتی و یا به عبارتی در ایران اقتصاد تک‌محصولی است - حدود 50 تا 70 درصد درآمد ملی ایران را تشکیل می‌دهد (کاتژمن، 2012: 43) - هژمونی از راه‌هایی را در زمینه سرمایه‌گذاری، نوسانات نرخ ارز و قیمت نفت و در نتیجه، تورم و کاهش ارزش ریال بر ایران تحمیل کرده است.

طبق نظریه تد رابرت گر، نارضایی علت اساسی رفتار خونش آن‌های است و محرومیت
نسبت تفاوت بین انظارتشی است که رشد و تکثیر خود را محقق دستیابی‌ها نمی‌دهد و
امکانات که میزان اثرات خواص‌های پیچ رو سراهم می‌آورد. از این منظره، دولت
جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور در معرض عللی خواهان این است که
با توجه به انظارتشی که در جامعه در راه دستیابی به انرژی هسته‌ای وجود دارد، به ادامه
آن راه پردازد. اما این موضوع بی‌دیهی و قانونی بوده آن طبق مفهوم آرایه به عنوان انرژی
انمی، به‌جای نفوذ وارشروی‌های متجاوز آمریکا، این کشور با مانع روبرو است. در این
خصوص، اگر از شرایط در صورت تشکیل‌گذاری چنین در ایران و در صورت از آن نشانه
انظارتشی و خواص‌های مردم و دولت ایران، این کشور محوری به سبب نگه‌بانی تهدید رژی
جریان نفت جهان خواهد شد و این امر می‌تواند موجب رکود تکمیل‌کننده در جهان شود.
این امر می‌تواند واحد است که در بازی سیاست، تمامی معادلات از قانون باید با حاصل
جمع غير‌صفر یا متغیر بروی می‌کند. به‌دین معاون این تهدیدی علیه منافع کشوری، موجبات
تهدید منافع دیگر کشورها می‌شود. در این راستا، بارون، برای انتقاد است که:
اگرچه کشورهای ضعیف جهان سوم ممکن است در خدمت منافع کشورهای اقتصادی,
سیاسی و نظامی قدرت‌های شریف باشند، این دستاوردها را با اضطرار مقایسه کرد که
مناقشات جهان سوم متوسطه امتیاز شریف‌تر پیدا می‌کند. در اینجا برشکونه منطقه‌ای هم، کشورهای
ضعیف هرگونه پیشرفت گیری شرایط امتیازی را به غایت دشواری مسأله و عامل شرایط
ظهور بی‌ثباتی و تزنگی را تضمین می‌کند (آذر و این مون، 1379: 12-3).
بر این اساس، فشارهای سیاسی -اقتصادی آمریکا علیه ایران، اگرچه به اقتصاد ایران
ضرر رسانده و امتیاز ملی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار داده، به معنی تأثیر
امتیاز برای سایر قدرت‌های پرگزوت و ایستاده است؛ چرا که این فشارها باعث مقابله‌های
ایران با توجه به طرف‌های موجود در ساختار قدرت آن می‌شود. در صورتی که ایالت
متحده و هم‌یکسانش با اعمال تحريم‌های اقتصادی، منافع سیاسی و امتیاز
علیه ایران را به خطر اندازند، ایران نیز به‌واسطه استراتژی تهدید در مقابل تهدید، از طریق
مسدودی کردن نگه‌بان عازمی هرمز که مجاری انتقال نفت جهان است، به این تحريم‌ها
و اقدامات قهرآمیز پاسخ خواهد داد و منع صادرات نفت خام از خلیج فارس به دیگر مناطق
جهان خواهد شد. اهمیت این موضوع تا آنجاست که ۲۳ رصد از صادرات نفت جهان به
کشورهای دیگر از تنها هرمز می‌گذرد (راتینگ، 2008؛ کاتزمن، 2012: 2). در صورت

[ DOI: 10.20286/priw-03021 ]
نتیجه‌گیری

انرژی‌هسته‌ای در میان انرژی‌های جدید برای کشوری به‌مانند ایران که دارای انرژی فسیلی نفت و گاز فراوان است، از جمله حائز اهمیت است: از یک سو، تضمینی برای میانه و فرایند پس از انرژی فسیلی است تا همگام و به‌ویژه نسل‌های بعد، بتوانند از آن استفاده نمایند؛ از سوی دیگر، ایران به‌واسطه استفاده به‌ینه از دو انرژی مذکور (فسیلی و هسته‌ای)
می‌تواند گام‌های بلندتری در راه تحقق سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ بردارد. 

با توجه به اینکه احساس محرومیت ابتدا در دهان افراد شکل می‌گیرد، می‌توان عنوان کردن که مردم و دولت ایران با توجه به نادیده گرفتن شدن خواسته‌ها و مواردی که به‌ویژه در زمینه هسته‌ای – خود را مستحکم دستیابی و پیشرفت در آن می‌دانند، از سوی نظام ناعادلانه بین‌الملل، دچار احساس محرومیت شده‌اند. بنابراین، زمینی که ایران به تکنولوژی‌هسته‌ای دست یافته، نوع محرومیت با توجه به نظریه گر به محرومیت نسبی صعودی تبدیل شدند، این‌طوری که از این دوره به بعد با کمی تغییرات و رشد ایجادشده، انتظارات و توانایی‌ها به‌طور همسان و هماهنگ با هم روند صعودی را یافتن می‌کردند. بدون اینکه تعاضب با هم داشته باشند، اما پس از گذشت چند سال ما شاهد تحریم‌هایی از جانب کشورهای غربی به‌ویژه ایالات متحده آمریکا بودیم که باعث شد توانایی و امکانات این بار از سوی مجتمع جهانی متوافق شود. اما انتظارات مردم و دولت جمهوری اسلامی ایران ثابت ماند. لذا در این شرایط، نوع محرومیت به محرومیت نسبی نژادی تغییر پیدا کرد. این عدم تطبیق بین انتظارات و امکانات با توانایی‌ها، خود را به‌شكل مخالفت ایران با هم‌ومنوی آمریکا نشان داده است.

ایران با وجود دارا بودن توانایی‌ها و امکانات مورد نیاز، به‌دلیل تحریم‌های اقتصادی، از فرصت و امکاناتی که می‌تواند به دست آورد محروم می‌شود. این عدم توجه به خواسته‌های یک کشور، همواره از عوامل اساسی در برپایی کنترل مردم محصول مشترکین می‌باشد و محرومیت و عدم دستیابی به خواسته‌ها می‌تواند تداعی گر خشم با اعتراضات عمومی باشد. گواه این مدعایا می‌توان از نظر‌سنجی‌های دو مؤسسه آمریکایی گالوب و زاگرب در حمایت مردم ایران از برنامه‌هسته‌ای مشاهده کرد. چه اینکه مرکزیت هویت اسلامی‌یعنی مرکزیت نظری و عملی نظام و بینش معرفتی اسلام در هویت فرهنگی ایران‌بان، بر پایه تحلیلی تاریخی با هسته‌سست آن که هویت شیعی است پیوند می‌خورد. لذا هویت اسلامی و
شیعی در هویت فرهنگی ایرانیان دو روزه سکه به حساب می‌آیند. بر این اساس، مؤلفه‌های فرهنگی سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران نسبت به رفتار این کشور در زمینه‌های تقدم و وجودی و زمانی داشته و قوامدهنده رفتار این کشور در این زمینه‌های مستند.

به طور کلی، پی گیری برنامه صلح آمیز‌هسته‌ای با توجه به محاسب آن، در تعقیب رشد و توسعه اقتصادی به عنوان هدف اصلی سیاست‌های خارجی ایران می‌تواند منافع ملی کشور را به‌خوبی تأمین کند و سرمایه‌های مادی و انسانی کشور را در راه بهبود وضعیت مادی و معنوی جامعه بسیج کند. نکته قابل ذکر در این است که با وضع تحریم‌ها علیه ایران، اگرچه ایران تحت فشارهای سیاسی و اقتصادی آمریکا دچار وضعیت نامنی می‌گردد و یا اینکه بخش بسیاری از اهداف و منافع ملی صبر را کرد، این امر برای سایر بازیگران به‌ویژه قدیر‌های بزرگ ایده‌آل امتی نمی‌کند؛ زیرا محدودیت‌های فراکسیونی باعث واکنش‌های قابل پیش‌بینی و به کارگیری ابزارهای سیاسی همچون نفت و بستن‌های مهر به عنوان یک شاهراه انتقال انرژی، برای تحقق اهداف و تأمین مطالبات سیاسی به عنوان استراتژی تهیه‌دهی در برای تهدید می‌گردد.

در حال حاضر نیز تأکید ایران بر حقوق هسته‌ای و تلاش برای ادامه روند غنی‌سازی اورانیوم مطلوب با قواعد و مقررات بین‌المللی، نشانگر انتظاراتی است که از خود دارد. از طرف دیگر، می‌توان ایستادگی و مقاومت ایران را در قبال فشارهای سیاسی و اقتصادی نمونه‌ای از مهارت اسلامی و استقلال‌خواهی موجود در فرهنگی سیاسی جمهوری اسلامی ایران دانست. لذا با توجه به عناصر زندگی و فعالیت موجود در فرهنگی سیاسی ایران که تحریم‌ها را مانع در مسیر تحقق انتظارات و احساس محرومیت نسبی قلمداد می‌کنند، در واکنش به نظام بین‌الملل به‌خصوص آمریکا، اقتصاد مقاومتی و تلاش برای خودکفایی و توامینندگی تا تحقق یک آرمان ملی و انتظار ارزشی که همانا دست‌یابی به توانمندی صلح آمیز هسته‌ای در جهت حفظ حاکمیت ملی باشد را دنبال می‌نماید.
کتابنامه


dسترسی 1392/10/24).


جکی nz، بیکارد (1381). هوايت اجتماعی، تورج راضی‌ارد، تهران: نشر و پژوهش شیراز. جهان، سیدجواد و محسن رضایی صدرآبادی (1389). "سلطیه بر نفت جهانی، راهبردی‌پاس، شماره 4، صص 243-244. 1392.


دهقانی، رضا (1391). "الگوهاي اختراعي و اجرای دیلماسی فرهنگی ترکیه"، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، شماره 10/15.

ربایی، علی و همکاران (1387). "برزیل رابطه هوايت ملی و قومی با تأکید بر احساس محوریت و جامعه‌بندی قومی مطالعه موردنی دانشجویان آذربای کر و عرب"، مطالی اجتماعی ایران، شماره 13.
رسولی نژاد، امیر (۱۳۹۰). «رابطه احساس محرومیت نسبی با گراشی به هویت ملی (مورد مطالعه: انگلیسی‌گزینه دانشگاه اصفهان»، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره ۳۲، صص ۴۷-۷۳.


عمری، محسن، محمد حیدر و محمد باقیی (۱۳۹۱). اسلامی گفتمانی به اسلام‌های، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، شماره ۴۵-۱۹۱.

عسگری، پژفاح (۱۳۸۸). از بررسی حقوقی عملکرد آژانس در مسئله فعالیت‌های هسته‌ای ایران، فصلنامه فناوری‌های هسته‌ای، تهران: وزارت امور خارجه.


قاسمی، علی یزدی و علی‌رضا اتایی (۱۳۸۸). نیست هدف ملی و جهت ملی در ایران، فصلنامه راهبردی، شماره ۳۷، صص ۱۰۹-۱۳۸.

قومانی، علی‌رضا (۱۳۸۸). روابط ایران و ایران و روابط دیگر، تهران: انتشارات جامعه‌ای، ماهنامه، صص ۸۰-۱۳۸.

کاظمی، ماهنامه (۱۳۸۸). عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ، قدرت هویت، حسن جاووشیان، تهران: انتشارات طرح‌نویسی، ج.۲.

گریانی، نادر (۱۳۸۸). چرا ناسازگاری شرکت می‌کند؟، تهران: مرکز مطالعات راهبردی.

گلشن‌پژوه، محمدرضا (۱۳۸۸). بررسی سیاست‌های ایران، تهران: نشر کتاب.
مالیه‌الملوکی معنویت‌های ابراز معاصر تهران.

مشاهرا زاده حسینی (1381). درآمده نظری بر جنبه‌های اجتماعی تهران: معاونت پژوهشی اسلام.

خمیبی (1) و اقلیدس اسلامی.

مصعلی نژاد، عباس (1387). فرهنگ سیاسی ایران، تهران: فرهنگ صبا.

نقیب‌زاده، احمد (1380). تاثیر فرهنگ ملی بر رفتار سیاسی ایرانیان، تهران: انتشارات ایام، وزارت امور خارجه.

پروفسور علی (1350). «رابط بین قومی و تاثیر آن بر هموار ملی اقوام در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره 8، صص 42-67.


